



عنوان	معرفی مفهوم اقتصاد غیررسمی و ارائه برآوردی از اندازه آن در اقتصاد ایران
سخنرانان	دکتر مسعود نیلی (رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی) پروفسور فردریش اشنایدر (استاد اقتصاد دانشگاه یوهانس کپلر اتریش) دکتر شهرام غفاری (رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی)
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴	

دکتر مسعود نیلی:

### تعریف و ابعاد اقتصاد غیررسمی

ادبیات اقتصادی این موضوع، نشان می‌دهد که اقتصاد غیررسمی فعالیت‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد و دلایل و انگیزه‌های مختلفی باعث به وجود آمدن آن می‌شوند. اگرچه وجه مشترک این فعالیت‌ها ثبت نشدن و پنهان بودن است اما به سختی می‌توان همه این فعالیت‌های غیرهمگون را ذیل یک عبارت فراگیر به نام اقتصاد غیررسمی جا داد. بسیاری تلاش کرده‌اند تا تعریفی جامع از اقتصاد غیررسمی ارائه کنند، اما همان‌گونه که اشنایدر و انست اشاره می‌کنند، ارائه یک تعریف دقیق اگر نگوئیم غیرممکن، اما بسیار سخت به نظر می‌رسد. یک راه جایگزین برای شناسایی این پدیده، تقسیم بندی مفهوم اقتصاد غیر رسمی به زیرگروه‌های متجانس است.

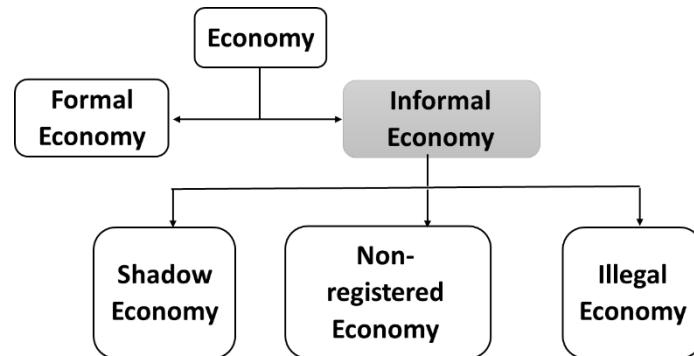
یکی از متداول ترین تقسیم بندی‌ها که اولین بار توسط موسسه آمار ملی ایتالیا (OECD, 2002) (ISTAT) ارائه شد، دسته بندی فعالیت‌های مختلف در اقتصاد غیررسمی بر اساس انگیزه‌های شکل‌گیری آنها است. این تقسیم‌بندی نه بطور کامل اما با انجام تعدیلاتی می‌تواند به منظور بررسی شرایط ایران مورد استفاده قرار گیرد. اگر این شیوه دسته بندی را ملاک قرار دهیم، اقتصاد غیررسمی به ۳ دسته کلی تقسیم می‌شود.

**اقتصاد غیرقانونی:** اقتصاد غیرقانونی فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که براساس قوانین جاری هر کشور، ممنوع شناخته شده‌اند. مصادیق فعالیت‌هایی که در این زیر بخش تحت عنوان اقتصاد غیرقانونی قرار می‌گیرند، بسته به زمان و مکان می‌توانند متفاوت باشند. این دسته از فعالیت‌ها، بنابر تصمیم قانون‌گذار در آمار رسمی ثبت نمی‌شوند.

**تولیدات غیرثبتي:** تولیدات غیرثبتي، دومین دسته از فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی را شکل می‌دهد. فعالیت‌های اقتصادی ذیل این دسته، قانونی بوده اما به دلیل توسعه نیافتگی فرآیندهای تولید یا کوچکی بیش از حد مقیاس آنها، در آمار گنجانده نمی‌شوند. فعالیت‌های این دسته را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول فعالیت‌هایی هستند که ماهیت اقتصادی دارند و با تبادل پول صورت می‌گیرند، مانند دست‌فروشی و مسافربری وسایل نقلیه شخصی؛ اما در بخش دوم فعالیت‌هایی مانند کار زنان خانه‌دار در منزل یا تعمیرات شخصی لوزام منزل قرار دارند که بصورت خودکفا و بدون تبادل پول انجام می‌شوند. با توسعه کشور، انتظار می‌رود که این دسته از فعالیت‌ها ابعاد بزرگتر پیدا کرده و در آمار رسمی جای گیرند؛ هرچند در کوتاه مدت عوامل متعددی از جمله فقر یا نابرابری بر اندازه آن موثرند.



**اقتصاد سایه:** دسته سوم از اقتصاد غیر رسمی، ماهیتی مشابه با فعالیت‌های رسمی اقتصاد دارد. این بخش با عنوان اقتصاد سایه به فعالیت‌های قانونی اطلاق می‌شود که با انگیزه اقتصادی از چشم دولت پنهان نگه داشته می‌شوند. دسته سوم اقتصاد غیررسمی، به دلیل بوروکراسی پیچیده در نظام اداری دولت شکل می‌گیرد.



فعالین اقتصادی گاه در واکنش به مقررات زیاد دولتی، تسخیر دولت یا رانت جویی گروه‌های لابی گر، از ثبت شدن در آمار رسمی فرار می‌کنند. در این حالت، اقتصاد سایه جایگزین فساد یا جایگزین رانت جویی و نفوذ به دولت تلقی می‌شود، گاهی نیز اقتصاد سایه نه یک فعالیت منزوی یا جایگزین، بلکه یک استراتژی فعالانه و مکمل فساد و رانت جویی است. نوع انگیزه یا رابطه اقتصاد سایه با فساد و رانت جویی، تنها بصورت جزئی با تمرکز بر نوع فعالیت پنهان شده، ممکن است. در حقیقت، برخی از فعالیت‌های این دسته حتی رانت گریز است. به همین علت است که معمولاً مطالعات باز هم دایره فعالیت‌ها را تنگ‌تر کرده و تنها بر بخشی از اقتصاد سایه یا یک نوع از فعالیت‌های آن مانند قاچاق کالا، فرار مالیاتی و امثال آن متمرکز می‌شوند.

**نقش دولت در گسترش اقتصاد غیررسمی:** ریشه‌یابی این‌که چرا هرکدام از فعالیت‌های ذکر شده در اقتصاد صورت گرفته یا رشد می‌کنند، مسئله‌ای است که باید در انگیزه‌های افراد فعال جستجو شود. اما می‌توان با استفاده از طبقه بندی ارائه شده، نقش دولت را در هرکدام از این فعالیت‌ها تبیین کرد. بر همین اساس، نقش دولت در ۳ زیر مجموعه اقتصاد غیررسمی تشریح می‌شود.

**نقش دولت در اقتصاد غیرقانونی:** دسته اول یعنی اقتصاد غیرقانونی در ارتباط مستقیم با دولت قرار می‌گیرد، چرا که این دولت است که با تعیین قوانین، مرز بین کالاها و خدمات قانونی و غیرقانونی را ترسیم می‌کند. بر اساس مقتضیات متفاوت هر کشور، دامنه متفاوتی از فعالیت‌ها در این حوزه پوشش داده می‌شود و به طور طبیعی، در نقاط مختلف دنیا شرایط یکسانی وجود ندارد.

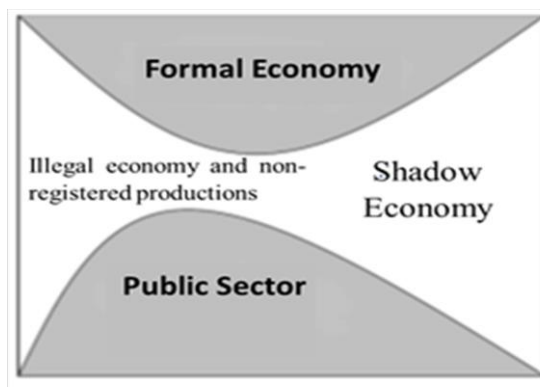
**نقش دولت در تولیدات غیرثبتي:** در دسته دوم از فعالیت‌های غیررسمی، یعنی تولیدات غیرثبتي نقش دولت پررنگ است. تولیدات غیرثبتي فعالیت‌هایی هستند که به دلیل کوچک بودن مقیاس و توسعه نیافتگی ابزار تولید، در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شوند. یک دلیل چرایی وجود این فعالیت‌ها، به حس ناامنی و عدم رعایت حقوق مالکیت بازمی‌گردد. در یک فضای ناامن و بی قانون که حقوق مالکیت افراد مورد تعرض قرار می‌گیرد، تولید در مقیاس‌های



کوچک صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که تقسیم بین سرمایه و نیروی کار، به صورت بهینه صورت نمی‌گیرد. روابط کاری در این تولیدات در مقیاس بسیار کوچک به جای قراردادهای رسمی، برپایه روابط خانوادگی و آشنایی و اعتماد قرار دارد. می‌توان گفت که تولیدات غیررسمی با نقش کلاسیک دولت در قانون‌گذاری، حفاظت از حقوق مالکیت و تامین امنیت ارتباط دارد. قابل انتظار است که سطح تولیدات غیررسمی، با رشد و توسعه کشورها و تثبیت نقش دولت در برقراری امنیت و حفاظت از حقوق مالکیت، کاهش یابد.

**نقش دولت در اقتصاد سایه:** در اقتصاد سایه نقش دولت کمی متفاوت می‌شود. اگرچه حضور دولت و مقررات دولتی برای کاستن از دو بخش اقتصاد غیرقانونی و تولیدات غیررسمی ضروری است اما اقتصاد سایه، یعنی دسته سوم از فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی، به دلیل دخالت بیش از حد دولت اتفاق می‌افتد. این که فعالین اقتصادی در واکنش به مقررات زیاد دولتی از ثبت شدن در آمار رسمی فرار می‌کنند، بر پایه نوشته‌های اقتصاددان معروف دی‌سوتو (۱۹۸۹) که به دیدگاه قانونی شهرت دارد، استوار است. چرایی دخالت زیاد دولت در اقتصاد، خود از یک تاریخچه بزرگ از نظریات برخوردار است و مطالعات فراوانی به مسئله رانت جویی، نفوذ و تسخیر دولت اشاره کرده‌اند، اما در سوی دیگر رانت جویی، بنگاه‌هایی قرار دارند که توان سوء استفاده و تسلط بر دولت را نداشته و به دنبال راه‌هایی برای فرار از این مداخله و نظارت دولت می‌گردند. رویکرد بنگاه‌های رانت گریز به این شکل است که با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع رعایت قوانین و مقررات دولت، تصمیم می‌گیرند که به فعالیت خود در اقتصاد رسمی ادامه دهند یا در بخش غیررسمی و به دور از مداخله دولت به فعالیت بپردازند.

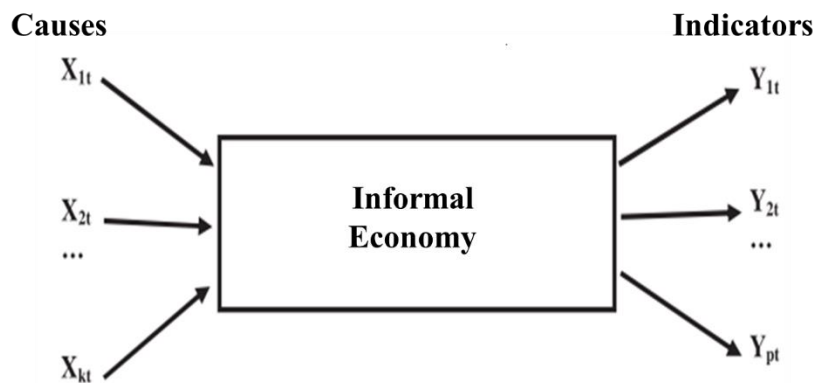
رابطه بین بخش عمومی، بخش رسمی و بخش غیررسمی اقتصاد در شکل زیر با استناد به پژوهش‌های اشنایدر و انست (۲۰۰۰)، به تصویر کشیده شده است. محور افقی این تصویر، معرف حجم دخالت دولت و مقررات (مثلاً نرخ مالیات) است. این شکل می‌تواند نشان دهد که حجم بخش عمومی، اقتصاد رسمی و غیررسمی چه رابطه‌ای با دخالت دولت و سطح مقررات دارد. می‌توان اینطور تفسیر کرد که وقتی نرخ مالیات کم است، بخش عمومی ضعیف و دولت ناتوان از ایفای نقش خود در حفاظت از حقوق مالکیت و برقراری امنیت است. در این شرایط اقتصاد رسمی کوچک بوده و اقتصاد غیررسمی در دو شکل اقتصاد غیرقانونی و تولیدات غیررسمی بزرگ خواهد بود. اما وقتی نرخ مالیات زیاد است، فعالین اقتصادی برای پنهان سازی تولیدات خود انگیزه زیادی خواهند داشت. با افزایش اندازه اقتصاد سایه، بخش رسمی کوچک شده و بخش عمومی نیز به دلیل ناتوانی در مالیات‌گیری تضعیف می‌شود. در نتیجه یک نقطه بهینه از دخالت و یک سطح بهینه از مقررات وجود دارد که بر اساس آن بخش رسمی و عمومی در حداکثر خود و اقتصاد غیررسمی در حداقل قرار دارد.





## اندازه گیری اقتصاد غیررسمی

برای برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی سه رویکرد وجود دارد؛ رویکرد نخست، رویکرد مستقیم با استفاده از پرسشنامه-ها و مراجعه به کارشناسان یا فعالان اقتصادی است که به دلیل ماهیت پنهان این فعالیت‌ها، چندان دقیق نیستند. رویکرد دوم، استفاده از متغیرهای ابزاری یا ردیابی متغیر پنهان از طریق نشانه‌ها است. در این رویکرد غیرمستقیم متغیر پنهان اقتصاد غیررسمی از روش‌های متعددی مانند روش معاملاتی، روش تقاضای پول و مصرف الکترونیسته برآورد می‌شود. سومین رویکرد معرفی شده، استفاده از یک مدل جامع از نشانه‌ها و علت‌ها است که برای برآورد متغیر پنهان مورد استفاده قرار می‌گیرند، این رویکرد مدلی از روش معادلات ساختاری در برآورد آماری استفاده می‌کند که خود بر پایه مفهوم تحلیل واریانس استوار است. یکی از رایج‌ترین معادلات ساختاری خطی روش MIMIC یا نشان گرهای چندگانه - علل چندگانه است. شکل زیر شمای کلی این روش و ارتباط بین نشانگرها، متغیر پنهان و علت‌ها را نمایش می‌دهد.



مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی در سال گذشته و در قالب یکی از پروژه‌های طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، اقدام به برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی برای سال‌های مختلف کرد. براساس نتایج این مطالعه که به صورت کتاب در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید، اندازه اقتصاد غیررسمی به صورت کل و به تفکیک زیرمجموعه‌های مختلف در سری زمانی سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۹۳ برآورد شده است و می‌توان روند زمانی شاخص کل را در ۳ دوره مورد بررسی قرار داد.

**دوران جنگ تحمیلی:** نخستین دوره مورد بررسی به دوران جنگ تحمیلی باز می‌گردد. در این دوران، اندازه اقتصاد غیررسمی کل از ۲۵ درصد به حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. بخش بزرگی از افزایش در این دوره، به افزایش در اقتصاد غیرثبتی و اقتصاد سایه در تولید مربوط است. این دو بازار همانطور که در بررسی نشانگرها توضیح داده شد، جایگزین اقتصاد رسمی هستند. کاهش رشد اقتصادی در دوره جنگ تحمیلی، موجب جذب عوامل تولید در بخش غیررسمی شده که توضیح دهنده جهش رخ داده در اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی است.

**دوران پس از جنگ تحمیلی:** دوره دوم مورد بررسی به سال‌های پس از جنگ تحمیلی یعنی بازه زمانی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹) باز می‌گردد. متوسط اندازه اقتصاد غیررسمی در این دوره ۳۸ درصد بوده است که البته نوسانات زیادی را در

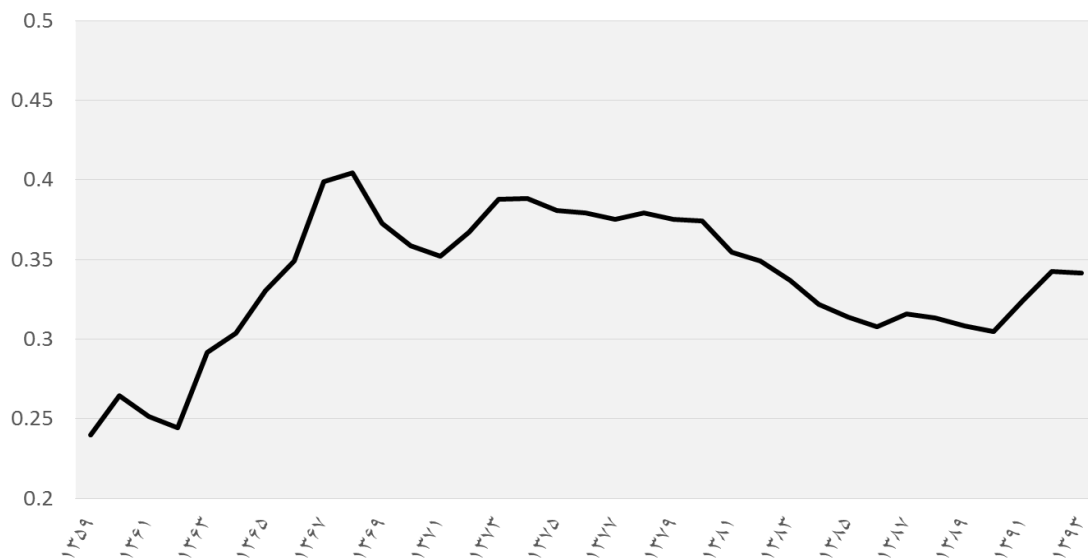


خود دارد. بخش بزرگی از این نوسانات به قاچاق و اقتصاد سایه در بازار پول مربوط می‌شود. اتفاقاتی که در این سال-ها در بازار ارز و پول افتاد، تاثیر زیادی بر روند این بازارها داشته است. البته این اتفاقات آن قدر قابل توجه بوده که دامنه نوسانات در دیگر بازارها نیز مشاهده می‌شود.

**ابتدای دهه ۸۰:** دوره سوم مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ است. طی این سال‌ها، شاخص کل اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی از ۳۷ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش می‌یابد. این روند نزولی را می‌توان در اقتصاد سایه در بخش تولید و همچنین قاچاق کالا مشاهده کرد در حالی که دیگر بخش‌ها از جمله اقتصاد غیررسمی نیز روند با ثباتی داشته است.

**دوره چهارم:** دوره آخر سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ را در برمی‌گیرد. جهش قابل ملاحظه شاخص اقتصاد غیررسمی (از ۳۰ درصد به ۳۴ درصد) در این دوره را می‌توان ماحصل تورم‌های بالا، رشدهای پایین و منفی و برقراری تحریم-ها دانست. در دوره چهارم، روند صعودی و جهشی در تمامی بخش‌ها قابل مشاهده است؛ در نتیجه تورم‌های بالا و دخالت در بازار سرمایه، شاخص بازار غیررسمی پول افزایش یافت. در نتیجه رشدهای پایین و منفی و عدم توانایی بازار رسمی در جذب عوامل تولید نیز بخش‌های اقتصاد سایه در تولید و اقتصاد غیررسمی افزایش یافتند. در نهایت به دلیل تحریم‌ها شاخص قاچاق نیز با یک جهش فزاینده روبرو شده است.

اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران



#### دکتر شهرام غفاری:

موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی که در حوزه رفاه و تامین اجتماعی فعالیت می‌کند، در ۴ سال اخیر فعالیت نسبتاً پررنگی در جامعه داشته است. امروزه یکی از مسائلی که گروه محاسبات بیمه‌ای را درگیر خود نموده این است که چگونه میتوان وضعیت ناپایدار صندوق‌های بازنشستگی را به یک پایداری نسبی سوق داد؟ در ایران در حال



حاضر تنها صندوق فعال سازمان تامین اجتماعی است. یکی از راهکارهای افزایش ورودی صندوقها، افزایش نرخ مشارکت بانوان در بازار کار است. با وارد کردن مقداری از اقتصاد غیر رسمی به اقتصاد رسمی می توان به رشد این صندوق کمک بزرگی نمود.

حال این سوالها مطرح میگردد که: چرا اقتصاد سایه شکل گرفته است؟ چه عواملی باعث تقویت آن می شود؟ چه نوع فعالیت هایی در این اقتصاد انجام می گیرد؟ چگونه می توان اقتصاد غیررسمی را وارد اقتصاد رسمی کرد به گونه ای که هم برای صندوق و هم برای نیروی کار پایداری و اطمینان خاطر به همراه بیاورد؟

### پروفسور فردریش اشنايدر:

در این نشست به بررسی اقتصاد سایه در ایران و سایر کشورهای جهان پرداخته می شود. اقتصاد سایه یکی از مهم ترین مباحث در تمام کشورهای دنیا اعم از کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه است.

یکی از نکات مهم این است که ما چه میزان درباره اندازه و مقیاس این اقتصاد در ایران میدانیم و این که ما با دانستن دقیق اعداد و ارقام کلان چه اقداماتی میتوانیم انجام دهیم. اقتصاد سایه از زمان مطرح شدن مالیات در تمام کشورها مطرح شده و بوجود آمده است.

در ایران اقتصاد سایه در واقع کمکی به اقتصاد رسمی محسوب می شود که بدون آن وضعیت اقتصادی بسیار وخیم تر از اوضاع اکنون می گشت.

هم در ایران و هم در بسیاری از کشورهای دنیا افراد علاوه بر یک شغل رسمی یک شغل غیر رسمی هم دارند. برای اینکه همه سود ببرند باید تلاش کرد تا فعالیت های اقتصاد سایه را به اقتصاد رسمی منتقل نمود.

بسیاری از فعالیت های غیر رسمی در ایران در منازل انجام می گیرد. نقش مشارکت زنان در بازار کار نسبت به استانداردهای اروپا پائین است و همین موضوع تاثیر بسزایی در اقتصاد سایه می گذارد.

از جمله عواملی که باعث میشود افراد در اقتصاد سایه فعالیت کنند، میتوان فرار از مالیات، قوانین و مقررات، نگرش منفی افراد به دولت و سیاست، اشتغال، بیکاری، میزان کشاورزی، مصرف انرژی، نرخ رسمی تولید ناخالص داخلی و ... را نام برد. هر چقدر میزان مالیات دهی و نرخ بیکاری در جوامع بیشتر باشد تمایل افراد به کار کردن در اقتصاد غیر رسمی بیشتر می گردد. افزایش تولید ناخالص داخلی با میزان اقتصاد سایه رابطه معکوس و با افزایش نرخ بیکاری رابطه مستقیم دارد. در ایران بسیاری از افراد به خاطر مشکلات بیمه و درآمد اندک از پرداخت مالیات اجتناب می نمایند.

یک ایده ساده در اقتصاد سایه این است که با توجه به نقدی بودن این اقتصاد، می توان با یافتن میزان نقدینگی و با تخمین بر مبنای آن ها میزان ارزش افزوده را بدست آورد. برای فهمیدن درصد اقتصاد سایه باید پیمایش هایی داشته باشیم که با تخمین های اقتصاد کلان ترکیب می شوند.

در این نشست لیست کشورهای اروپایی و میزان اقتصاد سایه آن ها و مقایسات بین آن ها در جدولی نشان داده شد. در دهه ۹۰ میلادی میزان اقتصاد سایه در کشورهای اروپایی کاهش یافته است. برای بررسی این اقتصاد از روش



MIMIC<sup>1</sup> یا روش رویکرد شاخص‌های چندگانه و عوامل چندگانه استفاده شده است. در این روش برای اینکه اعداد قابل قبول تر باشند می‌توان یک دامنه اطمینان تعریف نمود. مقیاس این روش برای کالیبره کردن حائز اهمیت است و باید در نظر بگیریم که تولید ناخالص داخلی یک عامل است یا یک شاخص.

تحلیل اقتصاد سایه در ایران و بالا بودن میزان آن حاکی از وجود فعالیت‌های غیر قانونی نظیر قاچاق می‌باشد. اگرچه در مقایسه با کشورهای همسایه این میزان کمتر است و تا سال ۹۶ که این مطالعات انجام گرفته میزان این اقتصاد رو به کاهش بوده است. با توجه به مطالعات انجام شده در ایران میزان اقتصاد سایه ۱۷,۹۸ درصد تخمین زده شده است. با بررسی رویکرد شاخص‌های چندگانه در ایران تا سال ۲۰۱۰ بیشترین ارزش را داریم. در اقتصاد سایه توجه به مسائل سیاسی و سیاست‌گذاری‌های دولت بسیار پراهمیت و تاثیرگذار است. اگر سیاست‌گذاری‌ها بتوانند در انتقال اقتصاد غیر رسمی به اقتصاد رسمی درست عمل کنند و دقیق رفتار کنند، می‌توانند باعث کاهش میزان اقتصاد غیر رسمی و افزایش رفاه کشور شوند. سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشند که میزان بیکاری در کشور را کاهش دهند.

رویکرد شاخص‌های چندگانه.<sup>1</sup>